علمی - پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال بیست و سوم، شمارهٔ ۸۹ «ویژهٔ پژوهش‌های قرآنی»، زمستان ۱۴۰۴، ص ۳۸-۵۰

بررسی تطبیقی اصول و مبانی حاکم بر تفسیر آیه ۳۵ سوره نور در برخی از تفاسیر غیر روائی و کلام اهل بیت علیهم‌السلام

مریم تائبی[۱] / علی سروری مجد[۲] / محمد رضا آرام[۳]

چکیده: نور در عالم ماده مظهر درخشندگی و ظهور اشیاء است. دلیل اسناد نور به خداوند متعال در سوره نور، و تعارض مفهومی آن در سایر آیات از جمله سوالاتی است که پژوهشگر به آن پاسخ داده است. این پژوهش با هدف پیشگیری از تأویلات ناصواب در تبیین آیه ۳۵ سوره نور و کشف مراد متکلم از کلام معصومین علیهم‌السلام به روش اکتشافی- تحلیلی با استناد به ابزار کتابخانه‌ای تدوین شده است. پس از بررسی و کاوش در برخی از منابع روائی و غیر روائی، همچنین تطبیق نظرات برخی از علمای دین به نتایج ذیل دست یافته‌ایم: الف) آیه ۳۵ سوره نور در جهت هدایت مؤمنان نازل شده است. ب) تضاد و تناقضی در اسناد نور به خداوند متعال در آیه ۳۵ سوره نور با سایر آیات مرتبط از جمله آیات سوره‌های مائده، اعراف، بقره، انعام، احزاب و توبه یافت نشد. آنچه مشهود است تفاوت در وجه ظاهری و استنباط مفسران از آیات مورد بحث می‌باشد. در کلام اهل‌بیت علیهم‌السلام اسناد نور در تمام آیات مذکور به خداوند باز می‌گردد. ج) بنا بر قرائن متصل و منفصل، تأویل معصومین علیهم‌السلام از آیات مذکور با استناد به سایر آیات کریمه و به روش قرآن به قرآن و توجه به مورد نزول آیات بوده است.

کلید واژگان: نور، مبانی حاکم، تأویل آیات، معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام، آیات مشکل.

---

* دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۰؛ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۹.

۱. گروه دانشی: علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
m. taebi2025@iau. ac. ir

۲. استادیار، پژوهشگاه هنر، فرهنگ و ارتباطات اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) a. sorouri@iau. ac. ir
soroori@rica. ac. ir

۳. دانشیار، گروه دانشی فلسفه، الهیات و معارف اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. mohammad. aram@srbiau. ac. ir

درآمد

نور در لغت به معنای درخشندگی است و جمع آن انوار است (جوهری، ۱۳۷۶ ق، ۸۳۵/۲). نور مهم‌ترین وسیله برای رؤیت سایر موجودات در جهان هستی به شمار می‌رود. بنابراین نور هم ظاهر کننده است و هم مظهر تجلی سایر موجودات در جهان هستی است. تأویلات متفاوتی از واژه «نور» در برخی از آیات کریمه قرآن از قبیل آیات سور مائده، اعراف، بقره، انعام، توبه و احزاب، توسط علمای دینی و مفسران به کار رفته است. این تعابیر عبارت هستند از تأویل نور به قرآن، ایمان، هدایت الهی. همچنین نور در برخی از آیات کریمه قرآن، به پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه هدی علیهم‌السلام نسبت داده شده است. به طور نمونه: در آیه ۱۵ سوره مائده و آیه ۱۵۷ سوره اعراف «نور» به معنای قرآن کریم معرفی شده است: «... قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ.» (مائده، ۱۵)؛ «.... وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ.....» (اعراف، ۱۵۷).

در آیات ۲۵۷ سوره بقره و ۱۲۲ سوره انعام، «نور» در معنای ایمان تفسیر شده است: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ...» (بقره، ۲۵۷)؛ «.... وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ ...». (انعام، ۱۲۲). همچنین در آیه ۳۲ سوره توبه، «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ.» نور در معنای آئین اسلام بیان شده است. در آیه ۴۶ سوره احزاب، «وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا.» به تعبیر برخی از علمای دین مقصود از «نور» «وَسِرَاجًا مُنِيرًا» وجود پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله بیان شده است. و در فرازی از دعای جامعه کبیره «نور» به ائمه هدی علیهم‌السلام نسبت داده شده است: «خلقکم الله أنوارا، فجعلکم بعرشه محدقین، حتّی منّ علینا بکم.»

طرح مسأله

آنچه که در اینجا مورد سؤال واقع شده است اینکه، چگونه خداوند صفت نور را در آیه ۳۵ سوره نور «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» به خودش نسبت داده است در حالی که در عالم واقع نور وسیله‌ای است برای ظهور اشیاء و از جنس ماده است و ذات خداوند متعال مبرّا از صفات سایر مخلوقات است و مهمتر از آن اینکه واژه «نور» در سایر آیات نامبرده هر کدام در

تعابیر متفاوتی به کار رفته‌اند، که با اسناد صفت «نور» به الله تعالی در آیه ۳۵ سوره نور تعارض مفهومی دارند. از این جهت اقتضاء می‌کند برای حل و رفع تناقض ظاهری آیات با یکدیگر، اسناد «نور» به خداوند متعال در آیه ۳۵ سوره نور، از دیدگاه سایر مفسران خصوصاً کلام ائمه هدی علیهم‌السلام به شکل دقیق‌تری مورد بررسی قرار بگیرد. مؤلف با ذکر چهار هدف به روش اکتشافی- تحلیلی با استناد به ابزار کتابخانه‌ای در صدد است تا به سؤالات مطرح شده پاسخ بدهد. ۱-اثبات روشمند بودن نظرات اهل‌بیت علیهم‌السلام در تأویل مفهوم «نور» در قرآن. ۲- بیان وجوه اشتراک و افتراق اقوال مفسران در خصوص واژه «نور. ۳-جلوگیری از تأویلات نادرست از مفهوم «نور» در آیه ۳۵ سوره نور. ۴- تسهیل ترویج افکار معصومین علیهم‌السلام در جامعه قرآنی از اهدافی هستند که پژوهشگر در صدد دستیابی به آنها است.

اقوال مفسران درخصوص شأن نزول سوره نور و کلام اهل‌بیت علیهم‌السلام

در سوره نور آیات: ۹-۶؛ ۱۶- ۱۱؛ ۳۱- ۳۰؛ دارای شأن نزول می‌باشند.

آنچه درآیات اولیه این سوره تبیین شده است ذکر مباحثی از قبیل: زنا و احکام آن، تهمت زدن به زنان پاکدامن و احکام جاری بر آن، بیان واقعه تاریخی إفک و امر به حفظ فرج برای مردان و زنان مؤمن و مؤمنه است.

در «اصول کافی» از أبی جعفر علیه‌السلام نقل شده است: «..... سوره نور بعد از سوره نساء نازل شده است و شاهد صدق در این گفتار آن است که خداوند متعال در سه آیه اول سوره نور فرمود: کسانی از زنان، که مرتکب عمل زنا شده اند برای آنان چهار شاهد اقامه کنید در صورتی که علیه آنان شهادت صدق دادند آنها را زندانی کنید تا از دنیا بروند.

و در سه آیه اول سوره نور به عنوان جعل و قرارداد راه نجات را برای آن زنان باز گذاشته است. (طباطبائی، ۱۳۶۳، ۱۱۹/۱۵)

آیات ۲۶-۱۱ در این سوره به داستان إفک اشاره دارد. اهل سنت آن را مربوط به عایشه همسر گرامی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله دانسته‌اند. و شیعیان این داستان را در مورد همسر دیگر پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله ماریه قبطیه نقل کرده‌اند. به نقل از مؤلف تفسیر«المیزان فی تفسیر القرآن» هر دو حدیث به لحاظ سندی و دلالتی دارای اشکال می‌باشند. (همان، ۱۳۶۳، ۱۲۷/۱۵)

در باور عده‌ای از علماء شأن نزول آیه ۲۲: این سوره در خصوص ابوبکر است که پس از شنیدن ماجرای تهمت به عایشه همسر پیامبر گرامی اسلام ﷺ قصد کرد تا کمکهای خویش را از مردم مهاجر قطع کند و خداوند متعال با نزول این آیه او را از اینکار منع کرد. (طبرسی، ۱۳۸۰، ۱۸-۱۷/ ۵۸۸)

در آیات ۳۴-۲۷ خداوند متعال به پاکدمنی و حفظ فروج امر کرده است. در «الدرالمنثور» به نقل از ابن مردویه از امام علی علیه‌السلام نقل شده است: «مقصود از امر به چشم پوشی نهی از مطلق نگاه کردن به زنان اجنبی و بیگانه است.» (طباطبائی، ۱۳۶۳، ۱۶۱/۱۵)

با توجه به اطلاق حدیث مراد از نهی در آیه، چشم پوشی در تمام موارد است که شامل فرج نیز می‌شود. و آیات ۴۶-۳۵ متضمن مقایسه مؤمنین به حقیقت ایمان و کفر است.

با توجه به کلام معصوم أبی جعفر علیه‌السلام در حدیث فوق مبتنی بر ارتباط سوره نساء با آیات اولیه سوره نور با یکدیگر، این احتمال وجود دارد که خداوند پس از ذکر محرمات و احکام آن در آیات اولیه سوره نور بلافاصله در آیه ۳۵: این سوره، نور خود را وسیله هدایت برای مؤمنین ذکر کرده است تا ایشان با تمسک به نور معرفت راه سعادت را از شقاوت و ذلت تفکیک کنند.

وجه تمایز تفسیر واژه «نور» در تفاسیر (اجتهادی) وکلام اهل‌بیت علیهم‌السلام

«ابن جریر طبری» یکی از مفسران معروف اهل سنت به نقل از سائر مفسران «نور» در آیه: ۳۵ سوره نور را به معنای هدایتگر آسمانها و زمین تبیین کرده است و در قول ایشان «نور» در معنای مدیر ومدبر است. (طبری، ۱۴۲۱، ۱۶۲/۱۸)

طباطبائی در تبیین «نور» بیان کرده است: نور برای ما روشن است. نور چیزی است که منجر به روشن شدن سائر موجودات میشود. (طباطبائی، ۱۹۷۳، ۱۲۰/۱۵)

و مقصود از «نور» در آیه: ۳۵ سوره نور، خداوند است که همه موجودات عالم از او نور می‌گیرند. و ظهور و بروز این نور در در ذات خداوند است. در نتیجه مراد از نور در معنای عام، افاضه رحمت واسعه خداوند متعال است که بر تمام مخلوقات سرازیر میشود. (همان، ۱۹۷۳، ۱۲۳/۱۵)

شیخ طوسی از مفسران شیعه در خصوص تبیین «نور» در آیه: ۳۵ سوره نور به نقل از ابن

عباس وانس بن مالک نور را هدایتگر آسمانها وزمین نقل کرده است. (طوسی، ۱۴۱۲، ۴۳۶/۷)

ثعلبی یکی از مفسران شافعی به نقل از آراء سائر مفسران «نور» در این آیه را مظهر تنزیه و مبراء بودن از خطا وگناه همچنین رحمت و مدحی برای خداوند ذکر کرده است. (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲، ۱۰۱/۷-۱۰۰)

فخر رازی یکی از مفسران اهل سنت مقصود از «نور» در آیه کریمه را هدایت الهی دانسته است. وی نور را مظهر تجلی و ظهور و بروز تمام اشیاء ذکر کرده است. به همین جهت بین نور و هدایت در آیه همبستگی قائل شده است. «..**يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ...**» (رازی، ۱۴۱۵، ۳۷۹/۲۳)

زمخشری در تبیین «نور» در آیه: ۳۵ سوره نور، خداوند متعال را صاحب نور آسمانها و زمین بیان کرده است. (زمخشری، ۱۴۱۵، ۲۳۵/۳) طبرسی یکی از مفسران شیعه نظری مشابه با زمخشری دارد. (طبرسی، ۱۴۰۵، ۱۴۸/۲)

سیوطی یکی از مفسران اهل سنت مراد از «نور» در آیه مذکور را تدبیر و مدیریت خالق بیان کرده است. وی خداوند سبحان را صاحب حکمت و مدبر آسمانها و زمین معرفی کرده است. به همین منظور مقصود از «نور» در آیه کریمه را احاطه تدبیر الهی بر تمام مخلوقات ذکر کرده است. (سیوطی، ۹۱۸، ۶/۳)

«**ماتریدی**» یکی از مفسران اهل سنت انتساب نور به خداوند را از این جهت دانسته است، زیرا خداوند روشن کننده آسمانها و زمین است. (ماتریدی، ۳۳۳، ۴۶۳/۳)

«**ابن کثیر**» دمشقی و«**ابن ابی حاتم**» در خصوص اسناد نور الهی به خداوند بیان کرده اند، خداوند هدایت کننده آسمانها و زمین است و مراد از «نور» در آیه کریمه هدایت الهی است. (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ۶ / ۵۲؛ ابن أبی حاتم، ۱۴۱۹، ۲۵۹۳/۸)

پس از بررسی نظرات مفسران در خصوص تبیین واژه «نور» می‌توان گفت: اغلب مفسران اعم از شیعه و اهل سنت «نور» در آیه: ۳۵ سوره نور را، در معنای تدبیر و هدایت الهی قلمداد کرده‌اند.

«**استرآبادی**» از مفسرین شیعه روایتی از طلحه و زبیر به نقل از امام جعفر صادق؟ع؟ و پدربزرگوار ایشان آورده است که در آن روایت معصومین علیهم‌السلام بیان کرده اند: مقصود از«**اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ..**» هدایت است. ابتدا خداوند از نور خودش گفته است و سپس نور

خود را وسیله هدایت در قلب مؤمن ذکر کرده است و مراد از «.. **مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ...**» قلب مؤمن است. (استرآبادی، ۱۴۰۹، ۱/ ۳۶۰-۳۵۹)

با در نظر گرفتن قرینه متصله «.. **يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ....**» که در ادامه آیه کریمه ذکر شده است، شاید بتوان گفت معصومین علیهم‌السلام در تبیین واژه «نور» به معنای هدایت الهی، به این قرینه متصله استناد کرده‌اند. همچنین تشبیه نور خداوند به «**مِشْكَاةٍ**» قرینه متصله دیگری برای اثبات مدعی است. زیرا در کلام معصومین علیهم‌السلام نور خداوند وسیله‌ای برای هدایت مؤمنین ذکر شده است و«**مِشْكَاةٍ**» قلب مؤمن و محل دریافت افاضات الهی بیان شده است.

در نتیجه تبیین اغلب مفسران شیعه و اهل سنت در اسناد نور الهی به خداوند، تقریبا در یک راستا بیان شده است. اگر چه که برخی از آنان «نور» در این آیه را مظهر حکمت، تدبیر، صاحب نور، مدیریت و روشنائی بیان کرده‌اند. اما با توجه به حدیث فوق ضمیر در«**نُورِهِ**» به خداوند باز می‌گردد.

نسبت سنجی تعارض معنائی و مفهومی آیات مرتبط با اسناد نور به خداوند متعال در آیه: ۳۵ سوره نور

۱. تبیین واژه «نور» در آیه: ۱۵ سوره مائده«... قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ.»

«**سبزواری نجفی**» بنا بر تحلیل خویش، مقصود از «نور» در آیه کریمه ۱۵: مائده را پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله ذکر کرده است. (نجفی، ۱۴۱۹، ۱۱۵/۱)

«**حسینی همدانی**» بنا بر استدلال خویش، مقصود از «نور» در آیه را کتاب قرآن بیان کرده است. کتابی که آیاتش توسط پروردگار متعال بر قلب پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله سرازیر شد. (همدانی، ۱۴۰۴، ۴/ ۳۸۵)

مفسر تفسیر« **البلاغ فی تفسیرالقرآن بالقرآن**» در بیان تبیین «نور» در آیه: ۱۵ سوره مائده با استناد به سائر آیات، مقصود از «نور» در آیه را، پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله وآل ایشان دانسته است. در نتیجه محمد، رسول خدا و ذکر و قرآن است که برای ابلاغ دستورات الهی برانگیخته شده است. (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹، ۱۱۰/۱)

شبر مقصود از نور را در آیه: ۱۵ مائده پیامبر ﷺ و قرآن بیان کرده است. و قرآن همان کتابی است که خداوند آن را وسیله هدایت بندگانش قرار داد. و این خداوند است که از ظلمت به سوی نور و رستگاری هدایت می‌کند. «وَ يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَى النُّورِ» (شبر، ۱۴۱۹، ۱۱۰/۱)

در تفسیر «کنزالدقائق و بحرالغرائب» درخصوص آیه کریمه به نقل از امام محمد باقر علیه‌السلام آمده است: «مقصود از « قَدْ جاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتابٌ مُبِينٌ..» انتقاد به یهودیان است که حکم رجم را در تورات انکار می‌کردند و رسول خدا ﷺ حکم را برای ایشان خواندند.»

و بنا بر اقوالی در همان تفسیر مقصود از «نور» در آیه: ۱۵ سوره مائده محمد ﷺ و قرآن است. در تعبیر علی بن ابراهیم مراد از «نور» أمیر المؤمنین علی علیه‌السلام و الأئمّة هدی علیهم‌السلام می‌باشند که خداوند بوسیله ایشان مردم را هدایت کرد. (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ۶۶/۴)

در اسناد «نور» به پیامبر گرامی اسلام ﷺ و یا قرآن آنچه که قابل توجه است یکی بودن مرجع ضمیر است، در حکم و یا غیر از آن. قرآن و یا پیامبر گرامی اسلام ﷺ هر دو وسیله هدایت به سوی حق تعالی می‌باشند. و هر دو از جانب الله تعالی برگزیده شده‌اند. در واقع مراد از «نور» افاضه رحمت و هدایت الهی است. و خداوند رحمان بوسیله رسولانش و کتب آسمانی اسباب هدایت بندگانش را فراهم کرده است.

بنابر این شاید بتوان گفت که معصوم علیه‌السلام در تبیین واژه «نور» به علوم ادبیات عرب و مورد نزول آیه در آن زمان توجه کرده است. همچنین توجه به قرینه متصله که در ابتدای آیه کریمه «قَدْ جاءَكُمْ رَسُولُنا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيراً مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتابِ..» ذکر شده است مبنی بر اینکه رسول همان کسی است که مبین کتاب الله است. یکی دیگر از دلائل تبیین معصوم علیه‌السلام از آیه کریمه است.

در نتیجه هیچ وجه تعارضی بین اسناد «نور» در آیه: ۱۵ مائده و اسناد نور به الله تعالی در آیه: ۳۵ سوره نور به چشم نمیخورد. و مقصود از نور همان هدایت پروردگار است که در جائی بنا بر تنبه مستقیما به ذات اقدس الهی اشاره شده است و در جائی دیگر به طور غیر مستقیم خداوند رسولان و یا کتاب قرآن را وسیله هدایت معرفی کرده است.

۲. تبیین واژه« نور» در آیه: ۱۵۷ سوره اعراف «..... وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.»

در تفسیر عرفانی «بیان السعاده فی مقامات العباده» در خصوص تبیین واژه «نور» در آیه: ۱۵۷ سوره اعراف آمده است: مقصود از «نور» امام علی علیه‌السلام است که همراه با پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله بودند. زیرا نور عبارت از چیزی است که ذاتا روشن و روشن کننده سائر اشیاء است و ولایت امام معصوم علیه‌السلام چیزی است که بوسیله پذیرش آن چشم قلب باز می‌شود و امام معصوم علیه‌السلام به عنوان ادامه دهنده راه نبی، همانند نوری نمایان در کنار حضرت بودند. و کسانی که این ولایت را قبول کردند از زمره رستگاران می‌باشند. همچنین مقصود از معیّت و همراهی «نور» با پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله در آیه: ۱۵۷ سوره اعراف همراهی و معیّت قیّومی آن حضرت است. زیرا ولایت، روح نبوّت و قوام آن است و لذا رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: «یا علی، با هر پیامبری بطور پنهانی همراه بودی و با من بطور آشکارا همراه هستی.» (خانی رضا، ۱۳۷۲، ۴۴۷/۵)

بنا بر این در تبیین واژه «نور» می‌توان گفت: آخرین مرتبه از تکلیف که مقصود از آن بیعت عامّ نبوی است، و از آن به اسلام تعبیر شده است، پذیرش و پیروی از ولایت امام علی علیه‌السلام است. و پیروی از ولایت، پیروی از رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله و متعاقب آن پیروی از خداوند است.

صاحب تفسیر «التبیان فی تفسیر القرآن» نور درآیه: ۱۵۷ سوره اعراف را قرآن معرفی کرده است. زیرا انسان بوسیله نور قرآن هدایت می‌شود. (طوسی، بی تا، ۵۶۰/۴)

از آنجا که قرآن کلام الهی است و توسط خداوند به رسولش ابلاغ شده است. اسناد نور در آیه: ۱۵۷ اعراف به قرآن از آن جهت، که فرستاده او خداوند متعال است و ابلاغ کننده آن رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله است به مثابه اسناد «نور» به الله تعالی می‌باشد. زیرا اتصاف یک صفت به شیء، اتصاف همان صفت به خالق شیء است.

در «تفسیر عاملی» در ذیل آیه: ۱۵۷ سوره اعراف به تحلیل مؤلف، «نور» در معنای قرآن معرفی شده است. مفسر در تحلیل استدلال خود حدیث پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله در مجمع البیان را مؤید کلام خویش ذکر کرده است. «پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به اصحاب خویش فرمودند: « عجیب ترین مردم کسانی هستند که نوشته‌های روی کاغذ را می‌بینند و مؤمن می‌شوند.» (عاملی، ۱۳۶۰، ۲۴۳/۴)

در «تفسیر صافی» عیّاشی از امام باقر علیه‌السلام نقل کرده است: «مقصود از «نور» در آیه

علی علیه‌السلام است.» و در کافی از امام صادق علیه‌السلام آمده است: «مراد از نور در آیه علی علیه‌السلام و امامان معصوم علیهم‌السلام می‌باشند.» (همان)

آنچه که واضح و مبرهن است، ارتباط و پیوست مفهومی در استنباط از واژه «نور» در کلام مفسران و کلام اهل‌بیت علیهم‌السلام وجود دارد. چه آنجائی که «نور» در معنای قرآن ذکر شده است و چه آنجائی که نور به امامان معصوم علیهم‌السلام اسناد داده شده است. دلیل بر این ادعا آن است، که قرآن نور و وسیله هدایت مؤمنین و رهنمودی در راه تحقق سعادت بندگان معرفی شده است. اولیاء الهی نیز حامل این نور و ابلاغ کننده فرامین الهی مکتوب در قرآن می‌باشند. همچنین کلام معصوم علیه‌السلام خود مبین بر این مدعی است، که اهل‌بیت علیهم‌السلام وسیله خداوند و حاملان این «نور» الهی می‌باشند. و این در فرازی از دعای جامعه کبیره ذکر شده است. «خلقکم الله أنوارا، فجعلکم بعرشه محدقین، حتّی منّ علینا بکم..» (قرشی، ۱۳۷۱، ۱۹۱-۱۹۲)

همچنین بنا بر احتمالات، استناد اهل‌بیت علیهم‌السلام در تبیین واژه «نور» مبتنی بر قرآن بودن و یا امام بودن «نور» در آیه: ۱۵۷ اعراف، به سائر آیات کریمه از قبیل: «وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا.» (احزاب، ۴۶) می‌باشد. در این آیه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به اذن الهی هدایت کننده به سوی حق و متعاقب آن به قرینه متصله در ادامه آیه «وَسِرَاجًا مُنِيرًا.» نور معرفی شده است و به طریق اولی این اسناد بر اولیاء الله نیز صدق می‌کنند.

دوم: مطابق با آیات تفویض ولایت از قبیل: آیه «إِنّما وَلِيُّكُمُ اللهُ ورَسولُهُ والَّذينَ ءَامَنوا الَّذينَ يُقِيمُونَ الصَّلوةَ و يُؤتُونَ الزَّكوة و هُم راكِعونَ» (مائده، ۵۵) که به نقل از اکثر علماء دین، از دیدگاه فریقین، اهداء کننده انگشتر در حال رکوع کسی نبود، جز امام علی علیه‌السلام امام علی علیه‌السلام جانشین پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌باشند. و هرآنچه ازمناصب که خداوند برای رسولش قرار داده است، پس از رسول به اذن الهی به امام علی علیه‌السلام تفویض می‌شود. (نجارزادگان، ۱۳۹۱، ۲۶-۲۷)

سوم: و یا استناد معصوم علیه‌السلام به آیه «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ...» (بقره، ۲۵۷) باشد. و این خداوند است که مؤمنین را به ایمان فرا می‌خواند. همچنین استناد به آیه «أَوَمَنْ كَانَ مَيْتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ.....» (سوره انعام، ۱۲۲) که واژه «نور» در آیه در معنا و مفهوم هدایت الهی بکار رفته است. زیرا إحیاء فقط

در صورت هدایت الهی صورت می‌پذیرد. و قرآن و انبیاء رسل جملگی از وسائل ابلاغ دستورات الهی بودند هدایتی که منجر به هدایت می‌شود. و همه این احتمالات امکان پذیر می‌باشند. چراکه اهل‌بیت علیهم‌السلام در تبیین آیات به سائر آیات کریمه استناد می‌کردند.

در نتیجه هیچ وجه تناقضی بین اسناد نور به خداوند در آیه: ۳۵ سوره نور و اسناد نور به قرآن و یا اولیاء الله درآیه: ۱۵۷ اعراف به چشم نمی‌خورد.

۳. تبیین واژه «نور» در آیه: ۳۲ سوره توبه «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ ..»

آیه: ۳۲ سوره توبه بیانگر تلاش بی ثمر مخالفان اسلام برای از بین بردن دین مبین اسلام است. بنا بر قول «مکارم شیرازی» در این آیه، مقصود از «نور» دین اسلام است. و این تعالیم دین اسلام است که به نور تشبیه شده است. چنانکه نور مظهر رشد؛ حیات؛ و حرکت است. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱، ۶ / ۱۳)

در کتاب «تبیین القرآن» آمده است: نور در آیه ۳۲: سوره توبه، حجت و پیام خداوند است. (حسینی شیرازی، ۱۴۲۳، ۱ /۲۰۴). به قرینه متصله در آیه ۳۳: همان سوره، «.. دِينِ الْحَقِّ..» دین اسلام است. و اسلام همان دینی است که توسط رسول به مردم ابلاغ شد و مانند نوری مردم را به سوی خیرات سوق داد.

نزد اکثر مفسران مراد از «نور» کتاب قرآن و دین اسلام می‌باشد. و از نظر برخی از علماء دینی، مقصود از «نور» در آیه ۳۲: سوره توبه، براهین الهی و حجت از نزد پروردگار عالم باشد. از نظر «فخر رازی» یکی از علماء اهل سنت «نور» در این آیه به چند وجه تبیین شده است. ۱. اینکه مراد از «نور» همان معجزات پیامبر گرامی اسلام؟ص؟ است که نبوت آن جناب را اثبات می‌کند. ۲. مقصود از «نور» کتاب قرآن باشد. ۳. و یا مراد دین اسلام است که جامع شرایع ادیان الهی است. (حسینی شاه عبد العظیمی، ۱۳۶۳، ۵ /۶۹)

در تفسیر ادبی «جوامع الجامع» «نور» نبوت پیامبر گرامی اسلام؟ص؟ ذکر شده است که مخالفان با کتمان نبوت ایشان قصد خاموش کردن و از بین بردن آن را داشتند. (طبرسی، ۱۳۷۷، ۲/۵۰)

در کتاب «الاحتجاج» به نقل از امام علی علیه‌السلام آمده است:

«مخالفان دین حقه قصد داشتند تا به میل خود سخن حق و دین خداوند را کتمان و تحریف کنند تا بدین وسیله نور خداوند را خاموش کنند در نتیجه خداوند دلهای آنها را کور کرد.» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ۲/ ۲۱۰)

با بررسی آیات مشابه از قبیل آیه: ۸ سوره صف «... يُطْفِؤُا نُورَ اللهِ بِأَفْواهِهِمْ..» به نظر می‌رسد که کلام معصوم؟ع؟ با استناد به این آیه نقل شده باشد. زیرا این آیه حوادث جنگ بدر را بیان می‌کند که خداوند به مسلمانان امر کرد از دین حقه اسلام دفاع کنند. و مخالفان قصد از بین بردن دین مبین اسلام را داشتند. و آیه ۳۲: سوره توبه نیز مانند آیه: ۸ سوره صف در توصیف مخالفان و شرح حال آنها نازل شده است.

بنا بر قرائن و شواهد حاصله در اسناد «نور» به دین اسلام در آیه: ۳۲ سوره توبه با اسناد «نور» به خداوند متعال در آیه: ۳۵ سوره نور هیچ وجه تناقضی به چشم نمی‌خورد.

دلیل بر این ادعا آن است که خداوند «نور» خود را که همان هدایت الهی است توسط ابزار و وسائلش به مخلوقات منتقل می‌کند و دین اسلام که مملو از معارف حقه و جامع شرایع دینی است یکی دیگر از آن ابزار و سائل هدایت الهی محسوب می‌شود. در نتیجه استدلال معاندان اسلام مبتنی بر ادعای ضدیت در آیات مذکور با یکدیگر ناشی از تفاوت ظاهری و مفهومی است و لاغیر.

نتیجه

تعابیر متفاوتی توسط مفسران علوم دینی در آیات کریمه قرآن از تفسیر واژه « نور» شده است. این تعابیر عبارت هستند از: ایمان، هدایت الهی، آئین اسلام، اطلاق نور به پیامبرگرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله، اطلاق نور به امامان و پیشوایان معصوم؟ع؟. مؤلف پس از بررسی و کاوش در برخی از منابع روائی و غیر روائی، همچنین تطبیق نظرات برخی از علمای دین به نتایج ذیل دست یافته است.

الف) آنچه درآیات اولیه سوره نور تبیین شده است ذکر مباحثی از قبیل: زنا و احکام آن تهمت زدن به زنان پاکدامن و احکام جاری بر آن، بیان واقعه تاریخی إفک و امر به حفظ

فرج برای مردان و زنان مؤمن و مؤمنه است.

ب) با توجه به کلام معصوم؟ع؟ مبتنی بر ارتباط سوره نساء با آیات اولیه سوره نور، این احتمال وجود دارد که خداوند پس از ذکر محرمات و احکام آن در آیات اولیه سوره نور بلافاصله در آیه ۳۵ این سوره، نور خود را وسیله هدایت برای مؤمنین ذکر کرده است تا ایشان با تمسک به نور معرفت راه سعادت را از شقاوت و ذلت تفکیک کنند.

ج) آنچه که واضح و مبرهن است، ارتباط و پیوست مفهومی در استنباط از واژه «نور» در کلام مفسران و کلام اهل‌بیت علیهم‌السلام وجود دارد چه آنجائی که «نور» در معنای قرآن، هدایت الهی و دین اسلام ذکر شده است و چه آنجائی که نور به امامان معصوم علیهم‌السلام و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله اسناد داده شده است.

دلیل بر این ادعا آن است، که قرآن نور و وسیله هدایت مؤمنین معرفی شده است و اولیاء الهی حامل این نور و ابلاغ کننده فرامین الهی می‌باشند. در نتیجه هیچ وجه تناقضی بین اسناد نور به خداوند در آیه: ۳۵ سوره نور و سایر آیات نامبرده به چشم نمی‌خورد.

چ) بنا بر قرائن متصل و منفصل تأویل معصومین علیهم‌السلام از آیات مذکور با استناد به سائر آیات کریمه و به روش قرآن به قرآن و توجه به مورد نزول آیات بوده است.

منابع

*قرآن کریم با ترجمه مهدی الهی قمشه ای.

۱. ابن أبی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۱۹ق)، **تفسیر القرآن العظیم (ابن أبی حاتم)**، تحقیق، اسعد، محمد طیب، عربستان سعودی، مکتبه نزار مصطفی الباز.

۲. ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۴۰۴ق)، **معجم مقاییس‌اللغه**، قم، انتشارات مکتب‌الاعلام الاسلامی، چاپ اول.

۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۱۹ق)، **تفسیرقرآن العظیم**، تحقیق، شمس الدین، محمد حسین، بیروت، دارالکتب العلمیه.

۴. استرابادی، شرف الدین علی حسینی، (۱۴۰۹ق)، **تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره**، . قم، مدرسه الامام المهدی.

۵. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، (۱۴۲۲ق)، کشف البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، دارالإحیاء التراث العربی، چاپ اول.

۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۳۷۵ ق)، **تاج اللغة و صحاح العربیة**، بیروت، دار العلم للملایین.

۷. حسینی شیرازی، محمد، (۱۴۲۳ ق)، **تبیین القرآن**، بیروت، دارالعلوم.

۸. علی؛ عبدالله، یوسف محمد؛ عمری، حسین بن عبدالله، دمش، : دارالفکر.
۹. رازی، فخرالدین محمد عمر، (۱۴۱۵ق)، **مفاتیح الغیب**، بیروت، دارالفکر.
۱۰. زمخشری، جارالله محمود بن عمر، (۱۴۱۵ق)، **تفسیرالکشاف، بیروت**، دارالکتب العلمیه.
۱۱. سیوطی، عبدالرحمن بن أبی بکر، (۹۱۸ق)، **الدرالمنثور فی تفسیر المأثور**، بیروت، دارالفکر.
۱۲. شبر، عبدالله، (۱۴۱۹ق)، **تفسیر القرآن الکریم (شبر)**، بیروت، دارالبلاغه للطباعه والنشر.
۱۳. صادقی تهرانی، محمد، (۱۴۱۹ق)، **البلاغ فی تفسیرالقرآن بالقرآن**، قم، مؤلف.
۱۴. طبا طبائی، محمد حسین، (۱۹۷۳م)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، بیروت، مؤسسه اعلمی.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۷ش)، **تفسیر جوامع الجامع**، تهران، دانشگاه تهران ومدیریت حوزه علمیه قم.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۰۵ق)، **مجمع البیان لعلوم القرآن**، تهران، دارالآسوه.
۱۷. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۲۱ق)، **جامع البیان فی تفسیر القرآن**، بیروت، دارالفکر.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، **التبیان فی تفسیر القرآن**، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۲ق)، **التبیان فی تفسیرالقرآن**، بیروت، دارالإحیاء التراث العربی.
۲۰. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۴۱۵ق)، **تفسیر نور الثقلین**، قم، اسماعیلیان.
۲۱. قرشی، علی‌اکبر، (۱۳۷۱ش)، **قاموس قرآن**، قم، انتشارات دارالکتب‌الاسلامی، چاپ ششم.
۲۲. قمی مشهی، محمدبن محمدرضا، (۱۳۶۸ش)، **تفسیر کنزالدقائق وبحر الغرائب**، تحقیق، درگاهی، حسین، تهران، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۲۳. ماتریدی، ابومنصور، (۳۳۳ق)، **التوحید، فتح الله خلیف**، مصر-اسکندریه، دارالجامعات.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۱ ق)، **الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل**، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب.
۲۵. نجفی سبزواری، محمد بن حبیب الله، (۱۴۱۹ق)، **ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن**، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۲۶. حسینی شاه عبد العظیمی، حسین بن احمد، (۱۳۶۳ش)، **تفسیر اثنا عشری**، تهران، میقات.
۲۷. حسینی همدانی، محمد حسین، (۱۴۰۴ق)، **انواردرخشان**، محقق، بهبودی محمدباقر، تهران، لطفی.
۲۸. خانی رضا، حشمت الله ریاضی، (۱۳۷۲ش)، **ترجمه بیان السعاده فی مقامات العباده**، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۲۹. طباطبائی، محمد حسین، (۱۳۶۳ش)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ترجمه موسوی همدانی، محمد باقر، قم، انتشارات اسلامی.
۳۰. طبرسی، ابو علی فضل بن حسن، (۱۳۸۰ش)، **مجمع البیان**، ترجمه کرمی، علی، تهران، فراهانی.
۳۱. عاملی، ابراهیم، (۱۳۶۰ش)، **تفسیرعاملی**، محقق، غفاری، علی اکبر، تهران، انتشارات صدوق.
۳۲. علوی مهر، (۱۳۹۶ش)، **آشنائی با تاریخ تفسیر ومفسران**، قم، مرکز بین المللی ترجمه ونشر المصطفی.
۳۳. قرشی، باقر، (۱۳۷۱ش)، **تحلیلی از زندگی امام هادی علیه السلام**، ترجمه، عطائی، محمد رضا، مشهد، کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام.
۳۴. نجار زادگان، فتح الله، (۱۳۹۱ش)، **بررسی تطبیقی تفسیر آیات ولایت**، قم، سبحان.